

سید حسین موسویان:

جایگزین مذاکره؛ تشدید تحریم است

25 February 2014-

تاریخ: ۰۶ اسفند ۱۳۹۲ - ۰۱:۰۵

کد خبر: ۳۸۱۹۳۰



سیاست خارجی دوران اعتدال با ورود ایران و شش قدرت 5+1 به مرحله نهایی مذاکرات هسته‌ای، از یک پیچ مهم تاریخی عبور می‌کند بخصوص که دیپلمات‌ها و کارگزاران دستگاه دیپلماسی همه عزم خود را جزم کرده‌اند تا گره‌های درهم تنیده این پرونده حساس و استراتژیک را با ابزار منطق و دیپلماسی باز کنند. کارشناسان و ناظران سیاسی بر این باورند که دیپلمات‌های دولت یازدهم طی چند دور مذاکره سخت و پیچیده به خوبی فرصت‌سازی کرده‌اند.

تنش‌زدایی و توازن‌سازی در روابط خارجی با هدف تأمین منافع حداکثری از زمره اهداف مهم دیپلمات‌های تدبیر و امید است؛ مسیر جدیدی که به اعتقاد سیدحسین موسویان، مذاکره‌کننده پیشین هسته‌ای کشورمان، با روی کار آمدن حسن روحانی آغاز شده است. صاحب نظر نام آشنای دانشگاه پرینستون امریکا که همواره تحلیل و ارزیابی‌اش از موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران بازتاب زیادی در رسانه‌های معتبر غرب و بین‌المللی دارد، وی در گفت‌وگو با ایران در عین حال به این نکته اشاره داشته که کشورمان هیچ‌گاه یک استراتژی جامع، بلندمدت و ملی در مورد کار با جهان غرب نداشته است و اگر داشته عموماً مقطعی و موردی بوده است. مشروح این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

کارنامه دیپلماسی دولت را در 6 ماهه اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کارنامه دیپلماسی دولت در این مدت کوتاه، قابل قبول است. اتخاذ رویکردهایی که نه تنها مانع از افزایش تحریم‌ها و فشارهای جدید شد بلکه تحریم‌ها و فشارها را در سطوحی کاهش داد، خود یک موفقیت است. روند دیپلماسی در مسیر رفع تنش با کشورهای منطقه و قدرتهای بزرگ حرکت می‌کند که اگر در این جهت موفق شوند، زمینه مناسب برای همکاری و تعامل سازنده به وجود خواهد آمد.

نقش کارگزاران دیپلماسی یا مجریان تا چه اندازه در اجرای اهداف و رویکردهای دیپلماتیک نظام مؤثر است؟ به عبارت دیگر برای بروز و ظهور یک دیپلماسی قدرتمند، دکترین مهم‌تر است یا دیپلماتها و کارگزاران توانمند؟

هر دو مهم است. هم دکترین صحیح و واقع بینانه در سیاست خارجی و هم دیپلماتها و کارگزاران کارآمد، مجرب و توانمند برای اجرای اهداف و رویکردهای دیپلماسی اهمیت بسزایی دارند. دکترین صحیح بدون کارگزاران لایق قابل اجرا نخواهد بود و دیپلماتهای کارآمد هم بدون استراتژی و دکترین مناسب موفقیتی نخواهد داشت. تصمیم‌گیری در امور دکترین سیاست خارجی هم باید در سطوح عالی نظام اتخاذ شود و برای اجرا به کارگزاران دستگاه دیپلماسی ابلاغ گردد. اما این نکته را هم نمی‌توان نادیده گرفت که کارگزاران لایق باید بتوانند دکترین صحیح را تدوین و مراحل اجرایی آن را طی کنند.

در چه برهه‌ای از تاریخ مذاکرات ایران و غرب، میان سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های نظام با شکل مطلوب اجرا تناسب وجود داشته است؟

بنده حدود 30 سال به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در خصوص روابط خارجی و بویژه روابط ایران با جهان غرب در ارتباط بوده‌ام. تا آنجایی که من اطلاع دارم، ایران در مورد کار با جهان غرب عموماً مقطعی و موردی عمل کرده است. در عین حال روابط ایران با جهان غرب در دولت‌های آقای هاشمی و آقای خاتمی از وضعیت نسبتاً بهتری برخوردار بود.

در شرایط فعلی چه توصیفی از خط مشی دیپلماسی و کارگزاران آن دارید؟

«دیپلماسی تعامل توسط کارگزاران معتدل». این توصیف من از خط مشی دیپلماسی و کارگزاران موجود است.

آیا انتقاد قابل توجهی از منتقدان دیده‌اید؟

در انتقاد از دولت‌ها در همه دوره‌ها دچار افراط و تفریط بوده‌ایم. ما هنوز یاد نگرفته‌ایم که به قصد سازندگی انتقاد منصفانه داشته باشیم. بیشتر انتقادات ما به خاطر مواضع جناحی و گروهی و بانندی بوده که معمولاً هم حالت تخریبی به خود می‌گیرد.

به نظر شما توافق ژنو مستحق این سطح از انتقاد از سوی برخی از طیف‌های سیاسی است؟

باید چند مسأله را از هم تفکیک کنیم؛ اول: این توافقنامه بدون عیب نیست و انتقاداتی هم به آن وارد است و نقاط ضعفی هم دارد که مذاکره‌کنندگان ما باید در دوره بعد مذاکرات به آن توجه کنند. دوم: در کشورهای غربی بویژه آمریکا سطح انتقادات نسبت به این توافقنامه بیشتر از ایران است. جناح‌های قدرتمند در آمریکا معتقدند که گروه 5+1 امتیازات کلان به ایران داده و هیچ امتیاز مهمی هم نگرفته است. سوم: من واقعاً معتقدم هر کدام از این 75 میلیون ایرانی که به مذاکره می‌رفت در مجموع نمی‌توانست بیشتر از این امتیاز بگیرد. در همین سفر اخیرم (به ایران) در جمعی از دیپلمات‌های ارشد فعلی و سابق وزارت خارجه، یکی از دیپلمات‌های سابق که مسئولیت‌های بسیار بالایی هم در دولت‌های قبلی در وزارت خارجه داشت، انتقاداتی به توافقنامه داشت و بعد از این‌که انتقاداتش تمام شد، من به او گفتم فلانی! خداوکیلی اول: بگو این توافقنامه هیچ مزیت و امتیازی ندارد؟ پاسخ داد البته که دارد. گفتم آیا اگر من و شما که هر دو هم مدعی هستیم و مثلاً دیپلمات برجسته بوده‌ایم، با توجه به شرایطی که ایران در آن قرار دارد می‌توانستیم بیشتر از این امتیاز بگیریم؟ پاسخ داد که خیر! ما هم می‌رفتیم همین امتیازات را می‌گرفتیم؛ حالا یک مقدار بیشتر یا کمتر.

منتقدان برای اظهار نظر درباره توافق ژنو باید چه ملاحظات را در نظر بگیرند؟

- 1- انصاف را رعایت کنند.
- 2- نقاط ضعف و قوت را با هم بگویند.
- 3- از به کارگیری الفاظ و عبارات توهین‌آمیز به تیم مذاکره‌کننده پرهیز کنند.
- 4- طوری حرف نزنند که گویی دیپلمات‌ها و مذاکره‌کنندگان مان‌خوار و ذلیل و حقیرند و مذاکره‌کنندگان قدرت‌های جهانی، کارآمد، مسلط و حرفه‌ای. این نوع برخورد، یک تحقیر ملی است و واقعیت هم ندارد.
- 5- انتقادات را همراه با پیشنهاد و به قصد کمک مطرح کنند و پیشنهادهای واقع بینانه و شدنی ارائه کنند، نه خیالی.
- 6- این‌که با پرونده هسته‌ای جناحی و بانندی برخورد نکنند و نخواهند که از قبل این پرونده مطامع سیاسی گروهی را تأمین کنند و در آخر این‌که منافع ملی را مد نظر داشته باشند و بدانند آلت‌رناتیو مذاکره و مصالحه دیپلماتیک، تقابل و تحریم بیشتر است و این همان چیزی است که دشمنان قسم خورده ایران به دنبال آنند. لذا مذاکره‌کنندگان را کمک کنند تا به بهترین وجه منافع ملی کشور در این مذاکرات تأمین شود.

دلیل فنی منتشر نشدن متن مذاکرات چیست و چرا منتقدان بر این موضوع اصرار دارند؟

بنده که چند دهه در امور دیپلماسی سابقه و تجربه دارم ندیده‌ام که هیچ کشوری متن سری‌ترین مذاکرات دیپلماسی خود را بلافاصله بعد از مذاکره منتشر کند. کشورهای هسته‌ای هستند که متن مذاکرات خود را بعد از 30 یا 50 سال منتشر می‌کنند. مذاکرات هسته‌ای سری‌ترین و مهم‌ترین موضوع دیپلماسی ایران است و افشای متن مذاکرات چیزی به جز خیانت ملی نیست همان‌طور که هیچ‌کدام از کشورهای 5+1 متن مذاکرات را منتشر نکرده‌اند.

ویژگی‌ها و شرایط تیم جدید مذاکره‌کننده با تیم قبلی چه تفاوت‌هایی دارد؟ چرا تیم جدید موفق می‌شود و تیم قبلی به جایی نرسید؟

البته توافقی که در ژنو توسط تیم فعلی هسته‌ای حاصل شد اصولاً و اساساً همان چارچوبی است که در آلماتی توسط تیم آقای جلیلی مذاکره شد و در دوران آقای لاریجانی هم یک توافق ضمنی با آقای سولانا به مبنی بر Freeze To Freeze یا تعلیق در برابر تعلیق. معنی آن هم این بود که قدرت‌های بزرگ تحریم بیشتر را تعلیق و متوقف می‌کنند و ایران هم غنی‌سازی بیشتر را تعلیق می‌کند.

اگر آقای لاریجانی در همان مقطع از داخل حمایت می‌شد، این فرمول را می‌توانست نهایی کند و حداقل نیمی از تحریم‌های فعلی را نداشتیم. لذا اساس توافق فعلی همان اساس مذاکرات در دوره آقای لاریجانی و آقای جلیلی است. منتها تیم فعلی یک مقداری امتیاز بیشتری گرفت آن هم به این دلیل که فضای بین‌المللی در دوره مذاکرات جدید نسبت به ایران مثبت شد که دلیل اصلی آن هم انتخابات ریاست جمهوری 92 بود. در عین حال زحمات مذاکره‌کنندگان قبلی در دوره‌های آقایان لاریجانی و جلیلی هم زمینه ساز توافق اخیر شد.

عملکرد تیم فعلی را با چه دوره‌ای از تاریخ مذاکرات مهم ایران می‌توان مقایسه کرد؟

عملکرد تیم فعلی بیشتر شبیه عملکرد تیم هسته‌ای در دوران آقای خاتمی است. در بهار سال 1384 تیم هسته‌ای آقای خاتمی پیشنهادی به سه کشور اروپایی کرد که بیشترین شباهت را با توافق اخیر هسته‌ای در ژنو دارد.

مهمترین اهدافی که ایران و غرب از توافق نهایی در موضوع هسته‌ای دنبال می‌کنند، چیست؟

در درجه اول هم ایران و هم قدرت‌های جهانی به دنبال جلوگیری از یک جنگ و تقابل تمام عیار هستند که واقعاً هم بی‌مورد است زیرا روندی که در جریان بود نهایتاً به تقابل تمام عیار می‌رسید. در درجه دوم ایران به دنبال تأمین حقوق هسته‌ای و رفع تحریم هاست و قدرت‌های جهانی به دنبال تضمین حداکثر شفافیت از سوی ایران در برنامه هسته‌ای و اطمینان از انحراف نداشتن برنامه هسته‌ای ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای هستند. سوم هم این‌که حل بحران هسته‌ای می‌تواند از بحران بیشتر در خاورمیانه بحران زده جلوگیری کرده و شاید هم زمینه‌ساز همکاری‌های جامع ایران و قدرت‌های جهانی در زمینه روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گردد.

مهم‌ترین چالش‌های پیش روی ایران و گروه 5+1 برای حل و فصل نهایی موضوع هسته‌ای چیست؟

نخستین چالش، زیاده‌طلبی است. چالش دوم، مخالفین توافق در هر دو طرف هستند. در امریکا کنگره اسرائیلی، لابی صهیونیست، لابی برخی از کشورهای عربی و منافقین با تمام قدرت به دنبال این هستند که اول: مذاکرات مستقیم ایران و امریکا را متوقف کنند؛ دوم: مذاکرات آتی را به شکست بکشانند؛ سوم: تحریم‌های برداشته شده را دوباره برگردانند و تحریم‌های بیشتر علیه ایران اعمال کنند و نهایتاً امریکا را به سمت حمله نظامی به ایران سوق دهند. در ایران هم مخالفانی وجود دارند که از نظر من اکثر آن‌ها دلسوز کشور و انقلاب هستند و نگرانند که در این مذاکرات به

منافع ملی ایران لطمه وارد شود. چالش سوم آن است که مذاکره‌کنندگان در هر دو طرف واقع بینانه برخورد نکنند. مثلاً اظهارات پیشین خانم وندی شرمن، در کنگره امریکا که ایران باید آب سنگین اراک را تعطیل کند و سایت «فردو» را ببندد هم زیاده طلبی است و هم غیر واقع بینانه. چالش چهارم هم نبود دورنگری و اهداف بلند مدت تر است. به قدری هر دو طرف در داخل خود در فشارند که ممکن است به راه حل کوتاه مدت که به طور مقطعی راضی‌کننده جناح‌های سیاسی مخالف داخلی باشد، تن دهند و از این فرصت برای اهداف و منافع کلان و بلند مدت استفاده نکنند.

آیا مذاکرات اخیر در وین را گامی بزرگ و روبه جلو می دانید؟

نخستین دور مذاکرات توافق جامع به خوبی پیش رفت زیرا توانستند روی اصول و چارچوب مذاکرات در چند ماه آینده توافق کنند. همچنین در مورد یک برنامه زمانبندی شده تا حداقل چهار ماه آینده هم توافق شد که شامل دیدارهای منظم در سطوح کارشناسی و عالی است. اما نباید فراموش کرد که دو طرف، اختلاف‌های جدی در مورد کم و کیف توافق نهایی دارند و لذا مذاکرات سختی در پیش است.

اساس اختلاف هم بر این میناست که استراتژی ایران در مورد توافق نهایی بر مبنای شفافیت‌سازی در چارچوب مقررات آژانس است و استراتژی قدرت‌های جهانی بر مبنای ایجاد محدودیت در برنامه تولید سوخت هسته‌ای ایران است. دو طرف با دو استراتژی متفاوت وارد کارزار دیپلماتیک شده‌اند. اساس خواست ایران، مقررات معاهده ان.پی.تی است در حالی که طرف مقابل تعهداتی فراتر از ان.پی.تی طلب می‌کند. آن‌ها می‌خواهند ایران آب سنگین اراک و سایت غنی‌سازی «فردو» و توسعه نسل جدید سانتریفیوژها را تعطیل کند. اینها زیاده طلبی قدرت‌های جهانی است که مذاکره‌کنندگان ایران نباید بپذیرند و نخواهند پذیرفت. در عین حال چالش اساسی بر سر نیاز واقعی و عملی ایران به سوخت هسته‌ای خواهد بود که این نیاز مشخص‌کننده ظرفیت غنی‌سازی ایران خواهد بود. قدرت‌های بزرگ هم پذیرفته‌اند که ایران خودش نیازش را تعیین کند اما آن‌ها وقتی قانع خواهند شد که ایران بتواند یک برنامه نیاز عملی و واقعی را ارائه کند. لذا این وظیفه مهم به دوش سازمان انرژی اتمی ایران است که مهم‌ترین بخش مذاکرات نیز خواهد بود.